

Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 21, No. 12, Winter 2021-2022, 179-202
Doi: 10.30465/CRTLS.2021.35502.2186

Writing About Historiography:

A Critical Review on the Book

“Historiography and its Developments in Iran and the World”

Nematollah Zakipour*

Abstract

By Adopting a critical approach to reading text, the present article examines and evaluates the book *"Historiography and its Developments in Iran and the World"*, a joint work of Hossein Mirjafari and Abbas Ashouri-Nejad. The book reviewed in this article, which is dedicated to Payame Noor University as a textbook on *"Historiography and its Developments in Iran and the World"* as a sourcebook at the undergraduate level in history, is no exception to this rule. Academic textbooks are expected to meet the required scientific standards. Despite the authors' efforts to compile a documentary on historiography, this book has some drawbacks including lack of a detailed table of contents, index, typographical errors, poor writing and grammar, the indentation of some sentences, poor citation and documentation, lack of separation of sources in the bibliography, etc. In terms of the content, formal considerations and lack of explanation of terms and concepts, improper use of first-hand sources, unbalanced volume of the sections, the existence of clichéd content, etc. are also observed. The author of the article tries to review and evaluate the book and explain its strengths and weakness, to present his suggestions to the authors and

* Assistant Professor of History, Faculty Member, Yasouj University, Yasouj, Iran,
n.zakipoor@yu.ac.ir

Date received: 21/09/2021, Date of acceptance: 23/01/2022



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

۱۸۰ پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال ۲۱، شماره ۱۲، اسفند ۱۴۰۰

the textbook publishing council in order to increase the scientific-educational aspect of this book and its structured quality.

Keywords: Historiography, Iran, Islam, Anal, Formal Criticism, Content Criticism.

نوشته‌ای در باب تاریخ‌نگاری:

خوانش انتقادی کتاب تاریخ‌نگاری و تحولات آن در ایران و جهان

نعمت‌الله زکی‌پور*

چکیده

نوشتار حاضر، با رویکردی انتقادی، کتاب «تاریخ‌نگاری و تحولات آن در ایران و جهان» اثر مشترک حسین میرجعفری و عباس عاشوری‌نژاد را بررسی و ارزیابی می‌کند. پژوهش‌های سه دهه اخیر راجع به تاریخ‌نگاری ایران، اسلام و اروپا نکات قوت و ضعف شکلی و محتوایی داشته است. کتاب مورد بررسی این نوشته، که به عنوان کتاب درسی، درس «تاریخ‌نگاری و تحولات آن در ایران و جهان» در مقطع کارشناسی تاریخ، دانشگاه پیام نور اختصاص یافته است، نیز از این قاعده مستثنی نیست. انتظار می‌رود کتاب‌های درسی دانشگاهی، از استانداردهای لازم علمی برخوردار باشد، اما این کتاب، با وجود تلاش نگارندگان برای تدوین اثری مستند در درس تاریخ‌نگاری، دارای اشکالات و کاستی‌های شکلی (فقدان فهرست تفصیلی مطالب متن کتاب، فقدان نمایه، اغلاط تایپی، ضعف نگارشی و دستوری، تورفتگی برخی جملات، ضعف ارجاع‌نویسی و مستندسازی، عدم تفکیک منابع در کتابنامه و ...) و محتوایی (عدم تبیین اصطلاحات و مفاهیم، بهره‌گیری نامناسب از منابع دست اول، نامتوازن بودن حجم بخش‌ها، وجود مطالب کلیشه‌ای و ...) می‌باشد که آسیب جدی به متن زده است. نگارنده مقاله تلاش می‌کند ضمن بررسی و ارزیابی کتاب و تبیین قوت و کاستی‌های آن، پیشنهادهای خویش را به نویسندگان و شورای انتشار کتب درسی دانشگاه پیام نور ارائه دهد تا بر جنبه علمی - آموزشی این کتاب و کیفیت ساختارمند آن افزوده گردد.

* استادیار گروه تاریخ، عضو هیأت علمی دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران، n.zakipoor@yu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۰۳



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

کلیدواژه‌ها: تاریخ‌نگاری، ایران، اسلام، آنال، نقد شکلی، نقد محتوایی.

۱. مقدمه

تأسیس دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ش، تا حدودی به تخصصی شدن علوم مساعدت کرد. این اقدام، نقش مهمی در رشد کمی - کیفی رشته‌های دانشگاهی داشته است. یکی از این رشته‌های تاریخ بود. محققان برای تبیین هویت ایرانی، گام‌های سترگی برای معرفی فرهنگ و تمدن ایران به جامعه بومی و جهانی برداشتند. در چند دهه اخیر، محققان علوم انسانی به ویژه تاریخ، نوشته‌های ارزشمندی را عرضه کردند که با مطالعه آثارشان با ابعاد گوناگون جامعه ایرانی آشنا می‌شویم. با وجود تلاش‌های این نویسندگان و تحسین چنین زحماتی، لازمه غنای علمی نوشته‌های آنان، نقد و ارزیابی بایسته این آثار است تا نقاط قوت و ضعف بیان شود؛ البته نقدی که با ژرف نگری بر منابع و شواهد تاریخی، از هرگونه حب و بغض، به دور باشد. این امری مسلم است که هیچ نوشته‌ای جامع و بدون کاستی نیست. با بیان و رفع کاستی‌ها، نوشته علمی‌تر و ساختارمندتر می‌شود. به نظر می‌رسد استادان و دانشگاهیان در دو دهه اخیر، نوشته‌های متعددی در علوم انسانی منتشر کرده‌اند که عوامل گوناگونی در آن دخیل بوده و هست؛ به عنوان مثال می‌توان به نگرش کمی به علوم اشاره کرد که یکی از مهمترین شاخص ارزیابی دانشگاهیان و جامعه علمی است. این عامل تحت الشعاع معیارهای جذب و استخدام، تبدیل وضعیت و ارتقای مراتب دانشگاهی، به جای اینکه به کیفیت مطلوب علم کمک کند در این دو دهه، بیشترین آسیب را به آن وارد کرده و در توسعه کمی علوم، به ویژه علوم انسانی و تاریخ، اثرگذار بوده است. صیانت از علوم با رویکردهای علمی و نقد منصفانه، و ارائه پیشنهادها و راهکارهای مناسب از آسیب‌های جدی‌تر مانع می‌شود. با گسترش روحیه نقادی و نقدپذیری در جامعه، هم نقد و هم نقد شونده به رشد و بالندگی علمی کشور یاری می‌رسانند.

نگارش و انتشار هر نوشته‌ای به تبع منافع شخصی، در باب علوم انسانی بالأخص علم تاریخ را با بحران مواجه می‌کند؛ برخی از نویسندگان در حوزه تاریخ در کم‌ترین زمان ممکن در این سالها، کتب و مقالات متعددی چاپ کرده‌اند. هرچند در میان نوشته‌های پژوهش‌گران داخلی، آثار سودمندی منتشر شده و در محافل علمی داخل و خارج از کشور محل مباحثه و ارجاع بوده است، که این گام‌ها ستودنی است؛ البته اثری چون

نوشته‌ای در باب تاریخ‌نگاری: ... (نعمت‌الله زکی‌پور) ۱۸۳

«مقاومت شکننده» (تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سالهای پس از انقلاب) از «جان فوران»، پس از دو دهه از ترجمه آن، هنوز کتاب درسی و مرجع برای دانشگاهیان در رشته‌های علوم انسانی است، بنابراین تولید نوشته‌های علمی و مستند ضرورت دارد. هدف از بررسی و ارزیابی کتاب «تاریخ‌نگاری و تحولات آن در ایران و جهان» در این مقاله، اعتلای کیفی علم تاریخ‌نگاری و تلاش برای انتشار نوشته‌ای مطلوب‌تر در این زمینه با ارایه پیشنهادهایی به نویسندگان محترم است.

۲. درباره نویسندگان و کتاب

نویسندگان کتاب «تاریخ‌نگاری و تحولات آن در ایران و جهان»، حسین میرجعفری و عباس عاشوری نژاد، در زمینه تاریخ‌نگاری در تاریخ میانه ایران به ویژه تیموریان و ترکمانان کتب و مقالات متعددی نگاشته‌اند. از آثار حسین میرجعفری، استاد بازنشسته گروه تاریخ دانشگاه اصفهان، می‌توان به «تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره تیموریان و ترکمانان» (۱۳۷۵)، روش پژوهش در تاریخ (۱۳۸۸) اشاره کرد. عباس عاشوری نژاد، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر، نیز کتب و مقالات مختلفی در زمینه تاریخ و ادبیات منتشر کرده است.

کتاب «تاریخ‌نگاری و تحولات آن در ایران و جهان» را انتشارات دانشگاه پیام نور در سال ۱۳۸۶، در ۱۷۵ صفحه، با یک مقدمه و هفت بخش چاپ کرده است. بخش‌های کتاب عبارت‌اند از:

بخش اول: معنا و مفهوم تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگری؛

بخش دوم: تاریخ‌نگاری اولیه بشر؛

بخش سوم: تاریخ‌نگاری باستانی؛

بخش چهارم: تاریخ‌نگاری در ایران؛

بخش چهارم در دو فصل: فصل اول: ایران قبل از اسلام و فصل دوم: ایران بعد

از اسلام؛

بخش پنجم: تاریخ‌نگاری اسلامی و مکاتب آن؛

بخش ششم: تاریخ‌نگاری اروپا؛

بخش هفتم: تاریخ‌نگاری عصر حاضر - آنال‌ها

۳. ارزیابی شکلی اثر

لازم است در ارزیابی و نقد منصفانه نوشته نقاط قوت و ضعف تبیین گردد. این کتاب، دارای امتیازات و کاستی‌هایی در شکل، چاپ، نگارش است که این موارد ذکر خواهد شد. کتاب مذکور تابع مقررات سازمان برنامه‌ریزی درسی وزارت آموزش عالی دانشگاه پیام نور برای درس تاریخ‌نگاری و تحولات آن در ایران و جهان در مقطع کارشناسی تدوین شده است، تا کنون کتابی در این درس، که همه ادوار تاریخی را در برگیرد، منتشر نشده بود.

کتاب تاریخ‌نگاری دارای نقاط و مضامین سودمندی است که بخش‌بندی کتاب از لحاظ توالی و ترتیب زمانی دقیق (دوره‌بندی تاریخی) یکی از آنهاست. مورد سودمند دیگر کتاب، مبحث ویژگی‌ها و عناصر مهم تاریخ‌نگاری دوره‌های تاریخی، به ویژه در بخش چهارم است که به شکل موجز مؤلفه‌های تاریخ‌نگاری ایران بعد از اسلام را تبیین کرده است. دیگر مزایای این کتاب درسی، محدوده زمانی طولی است که طبق سرفصل درسی ارائه کرده‌اند. از دیگر امتیازات کتاب، تقویم سلسله‌های ایرانی است. در جدول‌های مختلفی نام سلسله‌ها و گاهشماری آنها ذکر شده است. موجز و تلخیص گونه بودن کتاب، از امتیازات شاخص آن برای تسهیل فهم مخاطبین به شمار می‌رود.

با وجود نقاط قوت و امتیازات، کتاب مذکور دارای کاستی‌هایی است که برخی از موارد برای رفع و بهبود آن بیان می‌گردد:

۱. تصویر روی جلد کتاب، مربوط به ایران باستان و قبل از اسلام می‌باشد. تصویر گویای عنوان جامع کتاب نیست، چراکه کتاب با عنوان «تاریخ‌نگاری و تحولات آن در ایران و جهان» تدوین یافته و مناسب تر است که تصویری ترکیبی و فراگیر از نمادهای دوره‌های مختلف ایران و جهان بر جلد کتاب چاپ شود.

۲. هدف نگارش کتاب با توجه به مقدمه کتاب، مفهوم تاریخ، سیر تاریخ‌نگاری و تحولات در ایران و جهان بوده است. نویسندگان متواضعانه پذیرفته‌اند: «در کتاب حاضر تلاش شده تا در حد فهم دانشجویان عزیز با نگاهی حتی المقدور نو و در عین حال کاملاً مختصر، سیر تاریخ‌نگاری و تحولات آن در ایران و جهان معرفی شود»

نوشته‌ای در باب تاریخ‌نگاری: ... (نعمت‌الله زکی‌پور) ۱۸۵

(میرجعفری، عاشوری نژاد ۱۳۸۶: هفت). به زعم نویسندگان، نبود نوشته‌ای جامع در باب تاریخ‌نگاری و تحولات آن، سبب نگارش چنین کتابی برای انتشارات دانشگاه پیام نور شده است (همان: هشت)، با این حال در مقدمه کتاب پرسش‌ها و فرضیه‌های نوشته تبیین نشده است.

۳. کتاب نقشه و تصاویر ندارد. حضور نقشه مکانی و موقعیت سلسله‌های ایرانی و اسلامی در کتاب بر فهم شایسته‌تر و آشنایی خواننده‌ها با فضای فرهنگی و تاریخ‌نگاری یاری می‌رساند.

۴. فهرست تفصیلی مطالب متن کتاب و برخی از عناوین ذکر شده در بخش‌ها و فصل‌ها، در فهرست مطالب نیامده است. ضروری است که فهرست مطالب با عناوین متن یکسان شود.

۵. فهرست اعلام یا نمایه برای کتاب نیاز است که در این کتاب نیامده است. این فهرست به خوانندگان کمک می‌کند به آسانی و در کمترین زمان اسامی خاص، اصطلاحات مهم و نکات برجسته کتاب را در متن بیابند.

۶. کتاب دارای اغلاط تایپی فراوان است. ضرورت دارد که آنها اصلاح شود. برخی از این اغلاط تایپی در سه جدول زیر آورده شده است:

نمونه‌هایی از غلط‌های نگارشی در متن کتاب و نگارش درست واژه‌ها

شماره صفحه	سطر	نگارش نادرست	نگارش درست
مقدمه (ص هشت)	۲	مکان	امکان
۵	۱۹ و ۲۱	کافیچی	کافیچی
۹	۲۵	بر رغم	به رغم
۱۸	۱۹	نچیکنا	نچیکنا
۱۹	۱۵	توسیدید	توسیدید
۲۱	۱۴	ایزاکه	ایزاک
۲۲	۶	دیودور سیسلی	دیودور سیسیلی
۲۳	۳	تحوتموس سوم	تحوتمس سوم
۲۸	۲۳	رد استخر فارس	در استخر فارس
۲۹	۳	پبیر آمیه	پیر آمیه

آسرخدون	آسرهلدون	۱۳	۲۹
دیودور سیسیلی	دیودور سیسیلی	۵	۳۳
ویسپرد	ویسپرد	۹	۳۳
ساماران	ساماران	۳	۳۳ پاورقی
مشکور	مشکر	۱۳	۳۳ پاورقی
گودرز اسعد بختیاری	گودرز اسعد بختیاری	۲	۳۵
بویل، جی.آ.	بویل، جی.آ.	۱	۳۷ پاورقی
یوستینیوس	یوسنی نوس	۵	۳۸
لوکونین	لوکوئین	۱	۴۰ پاورقی
تمدن ایران ساسانی	تمدن ایران سامانی	۱	۴۰ پاورقی
سلوکیه‌ها	سلوکیه‌ها	۲۴	۴۱
یان ریپکا	یان ریپکا	۱	۴۲ پاورقی
کریستیان بارتلمه	کریستیان پارتلمه	۶	۴۴ پاورقی

شماره صفحه	سطر	نگارش نادرست	نگارش درست
۴۵	۱۴	فتوفیلاکت سیموکات	تئوفیلاکت سیموکاتا
۴۷	۳	گریگورورس بارهبرائوس	گریگوریوس بارهبرائوس
۴۸	۱۶	پولنیوس	پولیانوس
۴۸	۱۴	ویلهم جیگر	ویلهم کیگر
۴۸	۹	تعالبی	تعالبی
۴۸	۱۶	امئیس مارسان	امئیس مارسن
۴۸ پاورقی	۳	لوسنیکف	کولسنیکف
۶۲	۲	جهان اسلام	جهان اسلام
۶۶	۱۰	الانساب	الأنساب
۶۶	۱۱	تحفه الالباب و نخبه الاعجاب	تحفه الالباب و نخبه الإعجاب
۷۱	۱۹	قتنه خراسان	فتنه خراسان
۷۶	۲	یان ریپکا	یان ریپکا
۷۶	۱۹	ادامه دارند	ادامه دادند
۷۹	۱۳	ویلیام دو بروک	ویلیام روبروک
۷۹	۱۶	قراقورم	قراقورم
۷۹	۲۴	ماکوپولو	مارکوپولو
۸۵	۱۶	تفضیلاتی	تفضیلاتی

نوشته‌ای در باب تاریخ‌نگاری: ... (نعمت‌الله زکی‌پور) ۱۸۷

تفصیل	تفضیل	۲۰	۸۶
تایلور	تایور	۳ و ۱۱	۹۰
اویغوری	اویغوری	۱۳	۹۲
مطامع	مطالع	۱۰	۹۵
در واقع	در واقع	۱۶	۱۰۰
بازرگانی	بازرگانی	۱۷	۱۰۶
کروسینسکی	کروسینسکی	۹	۱۰۷

شماره صفحه	سطر	نگارش نادرست	نگارش نادرست
۱۱۱	۶	بیلگریگی	بیلگریگی
۱۱۲	۲۰	ادارات ورزی	ادارات ورزی
۱۱۵	۴	سرپرستی سایکس	سرپرستی سایکس
۱۱۷	۴	مرومی نامه	مرومی نامه
۱۲۳	۷	عبدالرزاق بیک ونبلی	عبدالرزاق بیک ونبلی
۱۲۳	۱۳	حسین ملکی	حسین مکی
۱۲۷	۱۴	متنقد	متنقد
۱۲۹	۹	تفضیل	تفضیل
۱۳۵	۳	چپیری	چیزی
۱۳۷	۶	پورپیرا	پورپیرار
۱۳۷	۱۲	منبع	منبع
۱۴۰	۲	خلافت بنی‌امیه	خلافت بنی‌امیه
۱۴۳	۶	پورپیدار	پورپیرار
۱۴۶	۱۸	ابجاد سد	ابجاد شد
۱۵۲	۲۱	اسناد دهد	اسناد دهد
۱۵۴	۱	در قایع	در وقایع
۱۵۴	۱	رویت	روایت
۱۵۴	۳	موقعیت	موقعیت
۱۵۵	۴	بنیانگزاران	بنیانگذاران
۱۶۲	۳	لئوپولدوفون رانکه	لئوپولد فون رانکه
۱۶۳	۱۲	خارج	خارج
۱۷۴	کتابنامه-کتاب ۵	احیایی فرهنگی در عهد آل بویه	احیای فرهنگی در عهد آل بویه

۷. ضعف نگارشی و دستوری در جمله‌ها و بندها در کتاب دیده می‌شود: ص ۵۷؛ از سطر ۱۵ تا ۱۶ «هدف عمده طبری، گردآوری مایه‌های تاریخ و ارائه همگی آنها بر خواستارن تاریخ است. تاریخ طبری سرچشمه‌ای است جوشان.»، ص ۷۵؛ از سطر ۹ تا ۱۱، ص ۸۱؛ از سطر ۳ تا ۴: «عظاملک جوینی از خاندانهای معروف صاحب دیوان و از قدیمی‌ترین و مشهورترین خاندانهای ایرانی بوده». در این جمله، نویسندگان، عظاملک را خاندان نام برده در حالی که عظاملک یکی از افراد خاندان دیوانسالار جوینی به‌شمار می‌رود. به جای عظاملک جوینی بایستی خاندان جوینی نام برده می‌شد. ص ۸۴؛ سطر اول، ص ۹۰؛ ۱۸ تا ۲۰ با لحن عامیانه نوشته‌اند. برای نمونه‌های دیگر بنگرید به ص ۱۰۵؛ سطر ۱ تا ۳، ص ۱۱۷؛ سطر ۱۰ تا ۱۱، سطر ۱۴ تا ۱۵، ص ۱۱۸؛ ۵ تا ۶، ۱۰ تا ۱۱، ۱۶ تا ۱۸، ص ۱۲۴؛ ۱۱ تا ۱۲، ص ۱۲۵؛ ۵ تا ۶، ص ۱۳۹؛ سطر ۱۴ تا ۱۷، از سطر ۲۵ تا ۲۶.

۸. تورفتگی برخی جمله‌ها سبب نقصان در محتوا و قابل فهم نبودن مرز بندها در برخی مطالب متن شده است. نویسندگان در این جمله‌ها نتوانسته‌اند مفهوم دقیق را به مخاطب انتقال دهند؛ برای نمونه ص ۵۷؛ از سطر ۲۴ تا ۲۷، ص ۸۶؛ از سطر ۹ تا ۱۱، ص ۱۳۶؛ از سطر ۵ تا ۷، ۱۴ تا ۱۷، ۱۹ تا ۲۱.

۹. در کتاب جملات انشائی و شعارگونه نیز آمده است: ص ۸۴، مبحث معرفی اجمالی جامع‌التواریخ، سطر ۹ تا ۱۴، ص ۱۳۱؛ سطر ۱ تا ۲.

۱۰. طرح اصطلاحات مبهم و خاص؛ مانند: «آفرینشهای فیدیاس» در ص ۱۹؛ سطر ۳، «کاتی لینا» در ص ۲۱، سطر ۳، «هرم سقاره» در ص ۲۴، سطر ۵، ص ۴۳؛ سطر ۱۱، ۱۲، ۱۴، ۱۵، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴؛ ص ۱۶۷، سطر ۱۳؛ «فرقه ژانسنیست».

۱۱. اعراب گذاری اسامی خاص، مکان‌ها و کتاب‌ها انجام نگرفته است؛ برای نمونه در ص ۵، سطر ۱۸؛ «مقریزی»؛ ص ۱۷، سطر ۴، ۵، ۶، ۹، «ودا، ریگ ودا، ساماودا، یاجورودا، آثارودا، اوپانیشاد»؛ ص ۲۷، سطر ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، «سیلک، تپه حصار، تپه گیان، هرسین، تپه بد هورا، تل باکوم، تورنگ تپه، کله دشت»؛ ص ۲۹، سطر ۹، ۱۱، ۱۳؛ «تیگلات پیلسر، سالمونسار سارگون، سناخریب، آسره‌دون»؛ ص ۳۰، سطر ۶، ۷، ۸، ۱۱؛ «هیوشیع، شومرون، حلح، ناحوم نبی»؛ ص ۳۳، سطر ۹، ۱۲، ۱۳؛ ص ۳۷، سطر ۱، ۹، ۱۱؛ ص ۳۸، سطر ۲۲؛ ص ۴۳، سطر ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵؛

نوشته‌ای در باب تاریخ‌نگاری: ... (نعمت‌الله زکی پور) ۱۸۹

ص ۴۸؛ سطر ۷ تا ۱۰؛ «عیون الاخبار ابن قتیبه، اخبار الطوال دینوری، مروج الذهب، تاریخ سنی ملوک الارض و الانبیاء، البدء التاریخ مقدسی، غرر اخبار الملوک ثعالبی، ...»؛ ص ۸۵، سطر ۱۰؛ «آلتان دبترا».

۱۲. معادل لاتین برخی اسامی خاص در پانویس صفحه‌ها آورده نشده است؛ برای نمونه، ص ۶ سطر ۱۱، ۱۵، ۱۸، ۲۴؛ «سنت اگوستین»، «جامبا تیستا ویکو»، «اگوست کنت»، «مونتسکیو»؛ ص ۷ سطر ۳، ۷، ۱۲، ۲۰، ۲۶؛ «ولتر»، «تامس کارلایل»، «کندورسه»، ژان ژاک روسو»، «یوهان گوتفرد هردر»؛ ص ۸ سطر ۳، ۱۳، ۲۱؛ «کانت»، «هگل»، «کارل مارکس»؛ ص ۹ سطر ۱، ۹، «اوسوالد اشپنگلر»، «آرنولد توین بی»؛ ص ۱۹، سطر ۳، ۴، ۸، ۱۶، ۲۰؛ «فیدیا، سوفوکلس، مدیک، هالیکارنوسی، پلوپونز، نیسیاس»؛ ص ۲۰ سطر ۸، ۱۲، ۲۶؛ «پلوتارک، آتانیوس، هوراس، یولیوس»؛ ص ۲۱ سطر ۲، ۳، ۴، ۱۶؛ ص ۲۲ سطر ۵، ۶؛ ص ۲۳ سطر ۳، ۷، ۱۴، ۱۶؛ ص ۲۴ سطر ۲، ۵، ۹، ۱۰؛ ص ۳۲ سطر ۱، ۲؛ ص ۳۳ سطر ۱، ۴، ۵، ۶؛ ص ۴۳ سطر ۳، «وست، کایگر، ریپکا»؛ ص ۴۵ سطر ۸، ۱۰، ۱۲، ۱۴، ۱۶، ۱۷؛ ص ۱۵۸ سطر ۱۱؛ ص ۱۶۰ سطر ۲؛ ص ۱۶۱ سطر ۱۹، ۲۴؛ ص ۱۶۲ سطر ۳؛ ص ۱۶۶ سطر ۱، ۳، ۱۰، ۱۱، ۱۳، ۲۰، ۲۱، ۲۲.

۱۳. برخی فواصل نگارشی و نیم فاصله رعایت نشده است؛ مانند «طی می‌کنند» «صورت درست آن طی می‌کنند» در ص ۹؛ ۵، یا اسم «محمد بن حمید رازی» که صورت درست آن «محمد بن حمید رازی» در ص ۵۴؛ ص ۱۸، «بوده است» صورت صحیح آن «بوده است» در ص ۵۵، سطر ۲، یا از این نمونه‌ها در ص ۵۵؛ سطر ۵، ص ۵۵؛ سطر ۲۵، ص ۵۸؛ سطر ۱۱ و ۱۶، ص ۵۹؛ سطر ۷، ص ۱۱۷؛ سطر ۱۳.

۱۴. مشخصات کتاب شناختی برخی از استنادهای درون متنی، در کتاب‌نامه نیامده است؛ صص ۲۷-۴۹؛ به صورت متناوب از کتاب «کتابشناسی تاریخ ایران در دوران باستان» (مریم میراحمدی ۱۳۶۹) مطلب اخذ کرده‌اند، اما در کتاب‌نامه نامی از این کتاب نیست؛ و نیز صص ۲۹-۵۸؛ به صورت متناوب با برداشت از کتاب «شناخت و نقد منابع تاریخ ایران باستان»، (موسوی ۱۳۸۰)، با ۴۴ ارجاع در متن، در کتاب‌نامه ذکر نشده است.

۱۵. نقل و قول‌های مستقیم در متن بایستی داخل گیومه قرار گیرد؛ برای مثال ص ۹؛ سطر ۸۱، سطر ۱۶ تا ۲۹؛ سطر ۲۶ تا ۲۹؛ با این جمله شروع می‌شود: انسانیت هر چه

پیش‌تر می‌رود، سرعت سیرش هم فزونی می‌یابد و افق اگر تاریک است این تاریکی صبح کاذب است نه تیرگی غروب ابدی، راه تکامل راه سرنوشت است، همین راه است که انسانیت و تمام کاینات را به سوی کمال می‌برد- به سوی نامحدود (میرجعفری، عاشوری نژاد ۱۳۸۶: ۱۰). این جمله مستقیم از کتاب «تاریخ در ترازو» عبدالحسین زرین‌کوب ص ۲۳۱ برداشت شده است که بایستی داخل گیومه قرار گیرد. ص ۲۲؛ سطر ۷ تا ۱۸؛ ارجاع اول، ص ۱۵۲؛ سطر ۱ تا ۹؛ ارجاع اول، ص ۱۵۸؛ سطر ۱۶ تا ۲۰؛ ارجاع سوم، ص ۱۵۹؛ سطر ۱۵ تا ۲۰؛ ارجاع سوم، ص ۱۶۰؛ سطر ۱ تا ۱۰؛ ارجاع اول، صص ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴؛ تمام سطور؛ نقل مسقیم است و بایستی هر سه صفحه داخل گیومه قرار گیرد.

۱۶. امروزه در متن ارجاعات و کتاب‌نامه کتاب، ذکر کلمه دکتر، سید، مرحوم، انتشارات و نشر را ضروری نمی‌دانند؛ برای نمونه پانویس صفحه ۲۹، پانویس صفحه ۳۱، پانویس ۳۳، پانویس صفحه ۳۴، پانویس صفحه ۳۷، صفحه ۳۹؛ سطر ۴، پانویس صفحه ۴۰، پانویس ص ۴۲، پانویس ص ۴۴، پانویس صفحه ۴۸، ص ۴۹؛ سطر اول، پانویس صفحه ۶۶؛ سطر اول، صفحه ۱۴۲؛ سطر ۲۰.

۱۷. ارجاعات کتاب که درون متنی است، باید یکدست شود. موارد متعددی از ناهم‌گونی ارجاعات در متن مشاهده می‌شود که بایستی اصلاح گردد. در ارجاع به نام نویسنده، شماره صفحه، سال انتشار و شماره مجلد منابع گاه دقت نکرده‌اند و نادرست ذکر شده است: ص ۵۴؛ ارجاع اول، ص ۵۸؛ ارجاع اول، ص ۶۳؛ ارجاع اول، ص ۷۸؛ ارجاع اول، ارجاع دوم، ص ۸۰؛ ارجاع اول، ص ۸۴؛ ارجاع اول، ص ۸۸؛ ارجاع اول، ص ۹۰؛ ارجاع چهارم، ص ۹۲؛ ارجاع اول، ص ۹۴؛ ارجاع اول، ص ۹۹؛ ارجاع اول، ص ۱۰۳؛ ارجاع اول، ص ۱۰۵؛ ارجاع اول، ص ۱۰۶؛ ارجاع اول، ارجاع دوم، ص ۱۱۰؛ ارجاع اول، ص ۱۱۱؛ ارجاع اول، ص ۱۱۴؛ ارجاع دوم، سوم، ص ۱۱۷؛ ارجاع اول، ص ۱۲۸؛ ارجاع اول، ص ۱۲۹؛ ارجاع اول، ارجاع دوم، ص ۱۳۷؛ ارجاع اول، ص ۱۳۹؛ ارجاع چهارم، ص ۱۴۳؛ ارجاع اول، ص ۱۴۵؛ ارجاع دوم، ص ۱۴۶؛ ارجاع سوم، ص ۱۵۱؛ ارجاع اول، ص ۱۶۵؛ ارجاع اول.

۱۸. برخی از مواقع نقطه (.) بایستی پس از ارجاعات؛ یعنی بعد از پرانتز قرار گیرد، اما قبل از پرانتز آمده است، ص ۱۵؛ ارجاع اول، ارجاع دوم، ص ۱۶؛ ارجاع دوم، ص ۱۷؛ ارجاع دوم، ارجاع سوم، ص ۳۸؛ ارجاع اول، ص ۱۰۳؛ ارجاع اول، ص ۱۱۵؛ ارجاع سوم،

نوشته‌ای در باب تاریخ‌نگاری: ... (نعمت‌الله زکی پور) ۱۹۱

ص ۱۳۴؛ ارجاع دوم، ص ۱۳۶؛ ارجاع اول، ص ۱۴۳؛ ارجاع اول، ص ۱۴۵؛ ارجاع اول، ص ۱۵۷؛ ارجاع دوم، ص ۱۶۰؛ ارجاع دوم.

۱۹. گاه در کتاب مطالبی بدون ذکر منبع آمده است: برای نمونه ص ۱۱؛ سطر ۱ تا ۶، ص ۹۹؛ سطر ۶ تا ۹ «شاه اسماعیل در علت شکست خوردن خود فرمودند که چون امروز حضرات ائمه معصومین به کمک ما نیامده‌اند ما دیگر کاری نمی‌توانیم ساختن» و یا این عبارت مندرج در عالم آرای عباسی که: «بدون شک خداوند اعلم مقدر فرموده بود که شاه اسماعیل در جنگ چالدران شکست بخورد، و ...» این جمله‌ها را که از کتاب «عالم‌آرای عباسی» از اسکندر بیک ترکمان برداشت و مشخصات کتابشناسی ذکر نشده است؛ ص ۱۵۶؛ سطر ۲ تا ۸، صص ۶۲-۵۸ از کتاب «تاریخ‌نگاری در اسلام» اثر صادق سجادی و هادی عالم‌زاده برداشت شده است، ارجاع درست آن (سجادی و عالم‌زاده ۱۳۸۶: ۶۲-۵۸) این چنین است.

۲۰. منابع و مآخذ ذکر شده در کتابنامه، بر اساس منابع دست اول، مطالعات و تحقیقات و مقالات دسته‌بندی و از هم تفکیک نشده است.

۲۱. صفحه‌عنوان انگلیسی در انتهای کتاب وجود ندارد.

۴. ارزیابی محتوایی کتاب

کتاب حاضر، از لحاظ محتوایی دارای امتیازها و نقاط قوت است. نشر کتاب روان و ساده است و در یک ساختار مشخص و طبق سرفصل مصوب وزارت علوم برای درس «تاریخ‌نگاری و تحولات آن در ایران و جهان» تدوین شده است. این کتاب به عنوان منبع درسی در مقطع کارشناسی تاریخ با نظم و انسجام درونی از اول تا پایان تنظیم شده است. چهارچوب آن بر اساس دوره‌بندی تاریخی و تحولات تاریخ‌نگاری در سه مکان (ایران، جهان اسلام و اروپا) است. اصل رعایت بی‌طرفی در متن و محتوای کتاب رعایت شده است. اطلاعات و دانستنی‌هایی سودمندی در باب شیوه‌های تاریخ‌نویسی در ایران، جهان اسلام و اروپا در آن آمده، به ویژه در مورد تاریخ‌نگاری ایران و تقسیم‌بندی آن بسیار مهم و حائز اهمیت است. موجز بودن مباحث کتاب از دیگر نقاط قوت آن به‌شمار می‌رود و مطالعه اثر خسته‌کننده نیست. ترسیم نمودار و عنوان‌گون ارائه شدن برخی مباحث کتاب؛ از امتیاز این نوشته تاریخی است. توانمندی نویسندگان در بُعد شرح ویژگی‌ها و

عوامل مؤثر بر تاریخ‌نگاری دوره‌های مختلف تاریخی برجسته است. با وجود این نقاط قوت، کتاب درسی «تاریخ‌نگاری و تحولات آن در ایران و جهان» کاستی‌های محتوایی هم دارد که به آن پرداخته می‌شود تا در صورت بازنگری مورد توجه قرار گیرد:

۱. در مقدمه لازم است مباحث مربوط به اثر تبیین شود: شیوه پژوهش، ضرورت و اهمیت پژوهش، پیشینه پژوهش، طرح پرسش و فرضیه‌های پژوهش، معرفی آثار مشابه، ذکر ویژگی‌های این اثر در قیاس با دیگر نوشته‌ها.

۲. عناوین فرعی بخش‌های کتاب در فهرست مطالب نیامده است که می‌توان عناوین فرعی بخش‌های کتاب را با فهرست مطالب تطبیق داد: برای نمونه عناوین فرعی بخش چهارم، صص ۲۷ تا ۱۲۹ (نک، میرجعفری، عاشوری نژاد ۱۳۸۶: ۱۲۹-۲۷)؛ یا بخش ششم؛ «تاریخ‌نگاری اروپا» عناوین فرعی نظیر قرن هفدهم، قرن هجدهم و قرن نوزدهم در فهرست مطالب نیست (همان: ۱۶۴-۱۵۹).

۳. برخی اصطلاحات و مفاهیمی چون «تاریخ، فواید تاریخ، تاریخ‌نگاری، تاریخ‌نگاری» به وضوح تبیین نشده است که ضرورت دارد این اصطلاحات و مفاهیم به طور مبسوط به بحث گذاشته شود.

۴. هرچند عنوان کتاب «تاریخ‌نگاری و تحولات آن در ایران و جهان» است، نویسندگان به ویژگی‌های تاریخ‌نگاری دوره‌های تاریخی به‌طور جزئی پرداخته‌اند، در حالی که بهتر بود این قسمت به طور مفصل بیان می‌شد. در بخش چهارم فصل دوم «ایران بعد از اسلام» مباحثی تحت عناوین ویژگی‌های و عناصر مهم منابع طرح و تبیین شده است، لازم است این مباحث در دیگر بخش‌های کتاب آورده شود.

۵. بهره‌گیری نامناسب از منابع به ویژه مطالعات و تحقیقات:

۱.۵ از منابع دست اول و معتبر بهره‌اندکی برده‌اند. در این کتاب، به تنهایی از ۱۳ منبع دست اول استفاده شده، در حالی که به ۸۲ کتاب تحقیقاتی و مطالعاتی ارجاع داده‌اند. در تحقیقات علمی، مستند بودن یک اثر، مربوط به تعدد منابع دست اول و معتبر است که در این کتاب از آنها استفاده‌اندکی شده است.

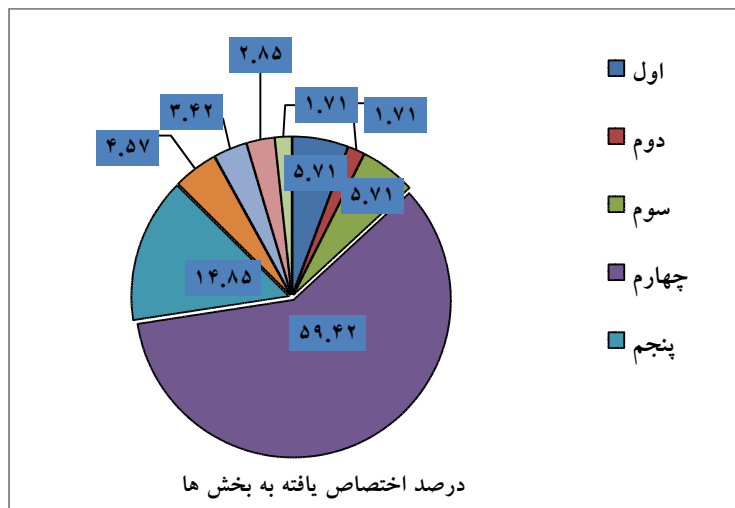
۲.۵ نویسندگان در صفحات متعدد کتاب به یک نویسنده ارجاع داده‌اند. این گونه ارجاع‌دهی به متن صدمه زده، و محتوای متن سست و کم‌مایه می‌کند. تنوع در ارجاعات، تحلیل و استخراج داده‌های مختلف می‌تواند به بهبودی و تقویت محتوای کمک کند.

نوشته‌ای در باب تاریخ‌نگاری: ... (نعمت‌الله زکی‌پور) ۱۹۳

۶. در تبیین تاریخ‌نگاری سلسله‌ها و دوره‌های تاریخی ایران و اسلام ضرورت دارد قبل از ورود به مبحث اصلی سلسله‌ها معرفی شود تا خواننده با آنها آگاهی و آشنایی مقدماتی بیابد. در تبیین تاریخ‌نگاری سلسله‌ها، فضای سیاسی حاکم، فضای فرهنگی جامعه زمان خود را تحت تأثیر قرار می‌دهد و بر رونق یا کندی تاریخ‌نویسی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های فرهنگی جامعه اثرگذار است.

۷. نویسندگان کتاب به پیشینه پژوهش در رابطه با جریان تاریخ‌نگاری و تحولات آن و تألیفات نویسندگان ایرانی و خارجی بی توجه نگردند که نیاز است با معرفی این کتاب‌ها، وجه تمایزات و تشابهات کتاب حاضر با آنها بیان شود.

۸. حجم بخش‌های کتاب نامتوازن است. کتاب در ۱۷۵ صفحه تنظیم شده است. صفحه‌های اختصاص یافته در نمودار زیر با توجه به میزان حجم بخش‌ها و درصد آن مشخص شده است: کمترین میزان حجم به بخش دوم (۳ صفحه، ۱.۷۱)، و بیش‌ترین میزان حجم کتاب به بخش چهارم (۱۰۴ صفحه، ۵۹.۴۲) اختصاص یافته است. بقیه بخش‌ها به‌ترتیب؛ بخش اول (۱۰ صفحه، ۵.۷۱)، بخش دوم (۳ صفحه، ۱.۷۱)، بخش سوم (۱۰ صفحه، ۵.۷۱)، بخش چهارم (۱۰۴ صفحه، ۵۹.۴۲)، بخش پنجم (۲۶ صفحه، ۱۴.۸۵)، بخش ششم (۸ صفحه، ۴.۵۷)، بخش هفتم (۶ صفحه، ۳.۴۲)، کتابنامه (۵ صفحه، ۲.۸۵)، صفحه سفید (۳ صفحه، ۱.۷۱) تدوین یافته است.



نمودار درصد میزان حجم اختصاص یافته به بخش‌های کتاب

۱۸ بخش اول کتاب؛ در ۱۰ صفحه به «معنا و مفهوم تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری» اختصاص یافته است، عناوین فرعی آن عبارت است از: معنا و فایده تاریخ، اهمیت و مفهوم تاریخ‌نگاری، بررسی اجمالی مفهوم و مصادیق تاریخ‌نگاری. در این بخش از برخی مطالب ضروری غفلت شده است. نویسندگان می‌توانستند با افزودن مباحثی چون «معنا و مفهوم تاریخ‌نگاری، نگرش به تاریخ، تاریخ روایی و غیر روایی، مدارک و شواهد تاریخی، رویداد در تاریخ» بر غنای کتاب بیفزایند (برای اطلاع بیشتر، نک استنفورد، ۱۳۸۶). محتوای این بخش از استحکام برخوردار نیست و دیدگاه‌های درباره مفاهیم و اصطلاحات بسیار محدود و کم‌مایه بیان شده است. نکته حائز اهمیت در باب درس «تاریخ‌نگاری و تحولات آن در ایران و جهان» این است که درس مذکور جز دروس «پایه» محسوب می‌شود و لازم است بخش اول را به عنوان مبانی نظری در مورد مفهوم و اصطلاح تاریخ، تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری اختصاص می‌دادند و به‌طور ویژه و مبسوط به آن می‌پرداختند (برای اطلاع بیشتر، نک میرجعفری، عاشوری‌نژاد ۱۳۸۶: ۱۰-۱).

۲۸ بخش دوم «تاریخ‌نگاری اولیه بشر» را به طور خلاصه در ۳ صفحه توضیح داده است. تمام مطالب این بخش، از کتاب تاریخ در ترازو (زرین‌کوب ۱۳۸۳) اخذ شده است. از کاستی‌های محتوایی بخش، کلی‌گویی مطالب، بی‌توجهی به منابع اصلی و استفاده نکردن از آثار صاحب‌نظران حوزه اساطیر و حماسه‌های ایران و خارج است. در این زمینه مباحث اسطوره‌شناسی و حماسه‌های ایرانی از پژوهشگرانی چون احمد تفضلی در «تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام» (۱۳۷۶)، ژاله آموزگار در «تاریخ اساطیری ایران» (۱۳۷۴)، و آثار اسطوره‌شناس خارجی همچون جان راسل هینلز در کتاب «شناخت اساطیر ایران» (هینلز ۱۳۶۸) می‌توانست بر بهبود این بخش بیفزاید.

۳۸ بخش سوم، «تاریخ‌نگاری باستانی» را در ۱۳ صفحه، بررسی کرده است. در این بخش تاریخ‌نگاری باستانی کشورهای چین، هند، یونان و رم، و مصر تبیین شده است. مباحث این بخش به خاطر اسامی خاص و اصطلاحات مبهم، فهم را برای یادگیری مطالب پیچیده کرده است. این بخش جمله‌ها و پاراگراف‌های طولانی دارد که درک و دریافت مطالب را برای خواننده مشکل می‌کند؛ برای نمونه ص ۱۸، پاراگراف اول از هیجده سطر تشکیل شده است (میرجعفری و عاشوری‌نژاد ۱۳۸۶: ۱۸). ذکر مباحثی چون تأثیر

تاریخ‌نگاری باستانی بر تاریخ‌نگاری ایرانی - اسلامی در این بخش، که خلاصه آن به چشم می‌خورد، به غنای اثر می‌افزاید.

۴۸ بخش چهارم در دو فصل با عناوین «ایران قبل از اسلام» و «ایران بعد از اسلام» تنظیم شده است: در فصل اول به مباحثی چون منابع تاریخی ادوار پیش از تاریخ، منابع دوره ماد و هخامنشی، سلوکیان، اشکانیان و ساسانیان پرداخته‌اند. در مبحث ساسانیان بیش‌تر اتکا نویسندگان به منابع مکتوب بوده است. این فصل بیشتر به معرفی توصیفی منابع پرداخته و روش تاریخ‌نگاری در این دوره تاریخی تبیین نشده است. مباحث این فصل برگرفته از کتاب «شناخت و نقد منابع تاریخ ایران باستان» (موسوی ۱۳۸۰) و کتاب «کتاب‌شناسی تاریخ ایران در دوران باستان» (میراحمدی ۱۳۶۹) است. خلاصه برخی مباحثی چون «کتیبه‌های هخامنشی، آثار معماری و حجاری دوره هخامنشی، کتیبه‌های اشکانی، سکه‌های هخامنشی و اشکانی، آثار معماری و حجاری دوره ساسانی، کتابهای اخلاقی و اندرزی عصر ساسانی، کتب تاریخی و جغرافیایی و روایات حماسی پهلوی ساسانی، متون فقهی و حقوقی عصر ساسانی، متون مانوی» (برای اطلاع بیشتر، نک، وثوقی، ۱۳۸۳) به چشم می‌خورد. پراکندگی مطالب و عدم انسجام در تیتراژ عناوین سبب سردرگمی خواننده می‌شود. چپش نامناسب مباحث و کلی‌گویی به محتوای کتاب آسیب وارد کرده است و نویسندگان از ذکر بسیاری از مطالب گذشته‌اند (نک به ص ۳۲، ۳۳). در صفحه ۳۵، اطلاعاتی درباره منابع تاریخی سلوکیان ارائه نشده است و تنها بی مقدمه به معرفی منابع دوره اشکانی در سه صفحه پرداخته‌اند (میرجعفری، عاشوری نژاد ۱۳۸۶: ۳۹-۳۶). این فصل علی‌رغم آنکه می‌توانست با قوت و بنای مستحکمی برخوردار باشد، سطحی و کم‌مایه تنظیم گردیده است.

فصل دوم از بخش چهارم تحت عنوان «ایران بعد از اسلام» تنظیم شده و به هفت دوره تاریخی «قرون اولیه اسلامی» (از ورود اسلام به ایران تا پایان آل بویه)، سلسله‌های ترک‌نژاد (غزنویان تا مغول)، دوره مغول و فترت، تیموریان و ترکمانان، صفویه، افشاریه و زندیه و قاجاریه و پهلوی» تقسیم گردیده است. تا حدودی می‌توان ادعا کرد که این فصل متناسب با اهداف کتاب نگارش یافته است. تنها در این فصل است که ویژگی‌های تاریخ‌نگاری هر یک از دوره‌های مذکور تبیین شده است. این فصل، از نظم و انسجام مطلوبی برخوردار است، اما ذکر برخی مباحث در این فصل با عناوین فصل ارتباط ندارد.

از این مباحث می‌توان به این موارد اشاره کرد: «سبک‌های تاریخ‌نگاری، تاریخ‌نگاری روایی، تاریخ‌نگاری ترکیبی، تاریخ‌نگاری تحلیلی، روش سال شماری، روش موضوعی، تراجم و احوال، مقتل‌نگاری، سیره‌نگاری، نسب‌نگاری، فرق و مذاهب، منقب‌نگاری و خط‌نگاری» (همان: ۶۸-۶۲) که بایستی در بخش پنجم «تاریخ‌نگاری اسلامی و مکاتب آن» ادغام گردد. از دیگر موارد قابل بحث در این فصل، معرفی نکردن منابع دست اول و تحقیقات جدید هر دوره تاریخی برای مخاطب است که نویسندگان تنها به معرفی دو منبع دست اول در هر دوره بسنده کرده‌اند. برای نمونه منابع تاریخی صفاریان، آل زیار، آل بویه، سامانیان، سلجوقیان، خوارزمشاهیان ذکر نشده است. از دیگر نکات قابل اصلاح کتاب این است که نویسندگان سال تأسیس سلسله صفویه را ۹۰۵ ه.ق دانسته (همان: ۹۶) در حالی که مورخان معاصر متخصص در عصر صفوی، سال تشکیل حکومت صفویان را سال ۹۰۷ ه.ق می‌دانند. برای تقویت و بهبود مباحث تاریخ‌نگاری صفویه می‌تواند از کتاب‌هایی چون «تاریخ‌نگاری عصر صفویه و شناخت منابع و مآخذ (ثواقب ۱۳۸۰)» و «اندیشه تاریخ‌نگاری عصر صفوی» (آرام ۱۳۸۶) استفاده کرد. در بخش «افشاریه و زندیه» به معرفی منابع تاریخی دوره افشاریه اشاره کرده‌اند، در حالی که منابع تاریخی دوره زندیه تبیین نشده است (میرجعفری، عاشوری‌نژاد ۱۳۸۶: ۱۲۰-۱۱۲). در مبحث مؤخره فصل دوم بخش چهارم: «تاریخ‌نگاری دوره قاجاریه و پهلوی» تحت یک عنوان طرح و بیان شده است. در این دو دوره تاریخی، تاریخ‌نگاری رشد کمی و کیفی زیادی داشته است که نویسندگان می‌توانستند این دو دوره تاریخی را در سه قسمت بیاورند: تاریخ‌نگاری قاجاریه، مشروطه و پهلوی. دوره مشروطه، دوره مهم و نوینی در تاریخ‌نگاری ایران به شمار می‌رود که در این کتاب، مباحثی با عنوان مشروطه و جریان تاریخ‌نگاری بیان نشده است و همچنین بیان ویژگی‌های تاریخ‌نگاری دوره پهلوی مثلاً «پروژه دین زدایی در جامعه» یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تاریخ‌نویسی در این دوره بوده است که در کتاب به آن توجه نشده است (همان: ۱۲۱). در ذکر تاریخ تأسیس حکومت پهلوی ضروری است که به صورت هجری شمسی آورده شود نه تاریخ قمری و میلادی (همان: ۱۲۰). مبحث دسته‌بندی منابع تاریخ معاصر ایران بدون ذکر ارجاع آورده شده است که بایستی مستندسازی شود (همان: ۱۲۲). نویسندگان می‌توانستند به جریان تاریخ‌نویسی دوران پسا انقلاب پردازند که از لحاظ اندیشه‌های فکری متنوع قابل تبیین است.

۵۸ بخش پنجم کتاب به «تاریخ‌نگاری اسلامی و مکاتب آن» اختصاص داده شده است. بیش‌تر مباحث این بخش به‌طور پراکنده از کتاب «تاریخ‌نگاری در اسلام» (سجادی، عالم‌زاده ۱۳۷۵) اخذ شده است. برخی مطالب ضروری به‌طور مختصر آمده یا از آن غفلت شده است. مباحث «روش‌های تاریخ‌نگاری اسلامی، مکاتب تاریخ‌نگاری» مختصر بیان گردیده است. برای تقویت و استحکام این بخش ذکر مباحث «حدیث‌گرایی و سنت‌گرایی، قالب‌های و گونه‌های تاریخ‌نگاری اسلامی» (راینسون ۱۳۹۲)، ضروری به‌نظر می‌رسد. از دیگر نقاط ضعف محتوایی بخش پنجم می‌توان به کلی‌گویی مطالب، استفاده نکردن از منابع اصلی و پژوهش‌های جدید، ضعف جمله‌بندی و پاراگراف‌ها اشاره کرد که به محتوا آسیب زده است.

۶۸ بخش ششم کتاب «تاریخ‌نگاری اروپا» را بررسی کرده است. مطالب این بخش، از سه نویسنده گردآوری و برداشت شده است. علی‌رغم اینکه عنوان بخش درباره تاریخ‌نگاری اروپاست، بیشتر به معرفی توصیفی مورخان اروپایی اکتفا شده است. در این بخش، مبحث تأثیر تاریخ‌نگاری اروپا به‌ویژه یونان و روم بر تاریخ‌نگاری اسلامی بایستی آورده شود و با ذکر آن، می‌توان بنای این بخش را محکم‌تر ریخت. در ارجاعات و استنادات این بخش، دقت کافی به کار نرفته است. برای نمونه ص ۱۶۰، پاراگراف اول، نقل و قول مستقیم از کتاب «تاریخ در ترازو» (زرین‌کوب ۱۳۸۳) است که پاراگراف به‌صورت نقل قول غیرمستقیم آورده شده است.

۷۸ بخش هفتم و آخرین بخش کتاب با عنوان «تاریخ‌نگاری عصر حاضر - آنال‌ها» تنظیم شده است که در آن تنها مکتب آنال بررسی و تبیین یافته است. مطالب این بخش، از کتاب «بینش و روش در تاریخ‌نگاری معاصر» (اتحادیه (نظام مافی) ۱۳۶۵) تلخیص و برداشت شده است. بی‌توجهی به دیگر پژوهش‌های مربوط با تاریخ‌نگاری جدید به‌ویژه مکتب آنال، به محتوای بخش صدمه زده و مطالب از انسجام خوبی برخوردار نیست. هم‌چنین با یک عنوان کلی بدون عناوین فرعی تنظیم شده که مخاطب در فهم آن دچار سردرگمی می‌شود. ذکر عناوین فرعی چون وجه تسمیه آنال، زمینه‌های شکل‌گیری مکتب آنال، جنبش تاریخ‌نگاری آنال و نقد رویکرد تاریخ‌نگاری سستی، بنیانگذاران آنال، آثار و نوشته‌های مورخان آنالی (نک، بهرامی، ۱۳۸۶). موجب می‌شود تا فهم خواننده از مطالب تسهیل گردد. بیان مبحث تاریخ‌نگاری مارکسیسم - لنینیسم در این بخش، که از مکاتب

تاریخ‌نگاری اروپای معاصر و جریان تاریخ‌نویسی اروپا و جهان بود، مفید است (برای اطلاع بیش‌تر، نک، ایگرس ۱۳۸۹).

۹. در این کتاب آنچه که به‌فراوان یافت می‌شود روایت‌هایی از مورخان است که آن‌ها را از آثار نویسندگان جدید نقل کرده‌اند. در این باره نویسندگان می‌توانستند با مراجعه به آن منابع، روایت را دقیق‌تر برداشت کنند و به آنها ارجاع دهند. نمونه‌های از این دست ارجاعات در صفحه ۵، سطر ۱۷، ۱۸ و ۱۹ به مورخانی چون ابن خلدون، مقریزی و کافجی است که از «روزنتال» نقل کرده‌اند (میرجعفری، عاشوری نژاد ۱۳۸۶: ۵). در صفحه ۴۲، سطر ۱۶، از جرجی زیدان نویسنده تاریخ تمدن اسلامی نقل شده، اما به «بیات» ارجاع داده‌اند یا در صفحه ۶۵، سطر ۱۲ از روزنتال نقل کرده، اما به آینه‌وند ارجاع داده‌اند یا در صفحه ۱۰۱، سطر ۹ از بارتولد نقل شده، اما به پطروشفسکی ارجاع داده شده است. نمونه‌های دیگر از این قبیل موارد را می‌توان در صفحه‌های ۱۱۱، سطر ۴، صفحه ۱۴۲، سطر ۱۳ دید.

۱۰. گردآوری داده‌های و استخراج و استنباط از آنها، ناهماهنگ و ضعیف است.

۱۱. وجود مطالب کلیشه‌ای به محتوا آسیب زده است.

۱۲. درباره معرفی سلسله‌های تاریخی هیچ توضیحی داده نشده است.

۱۳. خلأ سرفصل‌هایی چون تاریخ‌نگاری محلی، سلسله‌ای، عمومی، فرهنگی، اقتصادی، شفاهی و ...

۱۴. بهتر بود که به تاریخ‌نگاری در دیگر مناطق جهان چون روسیه، آسیا، آفریقا و آمریکا پرداخته می‌شد.

۱۵. ذکر نکردن منابع دست اول و پژوهش‌های جدید در باب سلسله‌ها.

۱۶. بخش‌های کتاب فاقد جمع‌بندی و نتیجه است.

- برای بهبود و کیفیت مطلوب کتاب راهکارها و پیشنهادتی مطرح می‌شود که در چاپ مجدد می‌تواند لحاظ گردد:

- استفاده از پژوهش‌های جدیدی که در حوزه تاریخ‌نگاری نوشته شده است تا جنبه تحلیلی کتاب قوت بیشتری بگیرد؛ کتاب‌هایی چون: درآمدی بر تاریخ‌نگاری ایرانی - اسلامی: با تأکید بر (یعقوبی، مقدسی، گردیزی و ابن فندق)

نوشته‌ای در باب تاریخ‌نگاری: ... (نعمت‌الله زکی پور) ۱۹۹

(رضوی ۱۳۹۴)، تاریخ‌نگاری فارسی (میثمی ۱۳۹۱)، تاریخ‌نگاری محلی ایران در دوره اسلامی (تا سده هفتم هجری) (قنوات ۱۳۹۳)، تاریخ‌نگاری در ایران عصر سلجوقی (صدقی ۱۳۹۳)، تاریخ‌نگاری در ایران؛ از آغاز دوره اسلامی تا حمله مغول (ترکمنی آذر ۱۳۹۲)، کتابشناسی گزیده توصیفی تاریخ ایران دوره اسلامی (تا پایان دوره قاجاریه) (ترکمنی آذر ۱۳۷۸)، تاریخ‌نگاری عصر صفویه و شناخت منابع و مآخذ (ثواب ۱۳۸۰)، اندیشه تاریخ‌نگاری عصر صفوی (آرام ۱۳۸۶)، تداوم و تحول تاریخ‌نویسی در ایران عصر قاجار (قدیمی قیداری ۱۳۹۳)، تاریخ‌نویسی در ایران: نقد و بررسی منابع برگزیده (از ابوعلی بلعمی تا میرزا آقاخان کرمانی) (قدیمی قیداری ۱۳۹۶)، گفتمان تاریخ‌نگاری رسمی دوره پهلوی پیرامون رضاشاه (ملایی توانی ۱۳۹۵)، تاریخ شفاهی و جایگاه آن در تاریخ‌نگاری معاصر ایران (نورائی، ابوالحسنی ترقی ۱۳۹۴)، تاریخ‌نگاری اسلامی (رایبسون ۱۳۹۲)، مسلمانان و نگارش تاریخ؛ پژوهشی در تاریخ‌نگاری اسلامی (خضر ۱۳۸۹)، تاریخ‌نگاری در سده بیستم از عینیت علمی تا چالش پسامدرن (ایگرس ۱۳۸۹)، تاریخ تکه تکه: از آنال تا «تاریخ جدید» (فرانسوا دوس ۱۳۹۶)، انقلاب تاریخی فرانسه مکتب آنال ۱۹۸۹-۱۹۲۹م (برک ۱۳۸۹)، تاریخ‌نگاری و جامعه‌شناسی تاریخی (همیلتون و دیگران ۱۳۸۵)، مکتب فرانکفورت (باتومور ۱۳۷۳).

۵. نتیجه‌گیری

بر پایه آنچه بیان شد هدف تألیف کتاب درسی تاریخ‌نگاری و تحولات آن در ایران و جهان، از طرف نویسندگان برای مرتفع ساختن نیاز دانشجویان رشته تاریخ در مقطع کارشناسی دانشگاه پیام نور بوده است. بدون تردید محدوده زمانی مشخص برای تدوین کتاب‌های درسی توسط سازمان‌های متبوع منجر به تعجیل و شتاب در تدوین آن گردیده است و آن سبب وجود ایراداتی در کتاب گردیده است. با این حال کتاب درسی بایستی از استانداردهای علمی برخوردار باشد. برجسته‌ترین مبحث کتاب، فصل دوم از بخش چهارم در باب «تاریخ‌نگاری ایران بعد از اسلام» است که نویسندگان تا حدودی اهداف اصلی کتاب را در آن دنبال کرده‌اند. اما کاستی‌هایی شکلی و محتوایی زیادی در

کتاب موجود است که با رفع آنها کتاب درسی مطلوبی حاصل می‌گردد. به طور مثال این کتاب که اثری گردآوری شده از منابع اولیه و تحقیقاتی است از نویسندگان برجسته در حوزه‌های تخصصی خبری نیست. ایرادات شکلی و محتوایی کتاب به طور خلاصه عبارتند از: نبود نقشه و تصاویر، فهرست تفصیلی، نمایه، اغلاط تایپی فراوان، ضعف جمله‌بندی و پاراگراف‌ها، وجود اصطلاحات مبهم و خاص، وجود ارجاعات نادرست، فقدان پیشینه پژوهش و تمایزات و تشابهات اثر مذکور با نوشته‌ها، بهره‌گیری نامناسب از منابع، کلی‌گویی مباحث، شیوه‌های نادرست مستندسازی درون متنی، نامتوازن بودن حجم بخش‌های کتاب (تبیین آن در نمودار ص ۱۵ مقاله)، غفلت از برخی مباحث ضروری در کتاب مانند تاریخ‌نگاری محلی، سلسله‌ای، عمومی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، شفاهی، رسانه و گردشگری و ... و نبود جمع‌بندی بخش‌ها. با رفع و اصلاح موارد مذکور در چاپ جدید، می‌توان کتاب درسی علمی و ساختارمندی برای دانشجویان ارائه کرد.

کتاب‌نامه

- آرام، محمدباقر (۱۳۸۶)، *اندیشه تاریخ‌نگاری عصر صفوی*، تهران: امیرکبیر.
- آموزگار، ژاله (۱۳۷۴)، *تاریخ اساطیری ایران*، تهران: سمت.
- اتحادیه (نظام مافی)، منصوره (۱۳۶۵)، *بینش و روش در تاریخ‌نگاری معاصر*، تهران: تاریخ ایران.
- استنفورد، مایکل (۱۳۸۶)، *درآمدی بر تاریخ پژوهی*، ترجمه مسعود صادقی، چاپ سوم، تهران: دانشگاه امام صادق و سمت.
- ایگرس، گئورگ (۱۳۸۹)، *تاریخ‌نگاری در سده بیستم از عینیت علمی تا چالش پسامدرن*، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران: سمت.
- باتومور، تام (۱۳۷۳)، *مکتب فرانکفورت*، ترجمه محمود کتابی، اصفهان: پرسش.
- برک، پیتر (۱۳۸۹)، *انقلاب تاریخ‌نگاری فرانسه مکتب آنال ۱۹۸۹-۱۹۲۹م*، ترجمه کامران عامروان، تهران: نشر تاریخ ایران.
- بهرامی، روح الله (۱۳۸۶)، *مکتب آنال: جامعیت فکر تاریخ‌نگاری*، شیراز: نوید شیراز.
- ترکمنی آذر، پروین (۱۳۸۸)، *کتابشناسی توصیفی تاریخ ایران دوره اسلامی (تا پایان دوره قاجاریه)*، تهران: سمت.
- ترکمنی آذر، پروین (۱۳۹۲)، *تاریخ‌نگاری در ایران (از آغاز دوره اسلامی تا حمله مغول)*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

نوشته‌ای در باب تاریخ‌نگاری: ... (نعمت‌الله زکی‌پور) ۲۰۱

تفضلی، احمد (۱۳۷۶)، *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*، به کوشش ژاله آموزگار، تهران: سخن.
ثواقب، جهانبخش (۱۳۸۰)، *تاریخ‌نگاری عصر صفویه و شناخت منابع و مآخذ*، شیراز: نوید شیراز.
خضر، عبدالعظیم عبدالرحمن (۱۳۸۹)، *مسلمانان و نگارش تاریخ؛ پژوهشی در تاریخ‌نگاری اسلامی*، ترجمه صادق عبادی، تهران: سمت.

دوس، فرانسوا (۱۳۹۶)، *تاریخ تکه تکه: از آنال تا «تاریخ جدید»*، ترجمه عبدالله ناصری طاهری، سمیه سادات طباطبایی، ویراستار علمی؛ جواد مرشدلو، تهران: سمت، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی.

رابینسون، چیس اف (۱۳۹۲)، *تاریخ‌نگاری اسلامی*، ترجمه محسن الویری، تهران: سمت.
رضوی، ابوالفضل (۱۳۹۴)، *درآمدی بر تاریخ‌نگاری ایرانی - اسلامی: با تأکید بر (یعقوبی، مقدسی، گردیزی و ابن فندق)*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۶۲)، *تاریخ در ترازو؛ درباره تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری*، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر.

سجادی، صادق و هادی عالم‌زاده (۱۳۸۶)، *تاریخ‌نگاری در اسلام*، چاپ هشتم، تهران: سمت.
صدقی، ناصر (۱۳۹۳)، *تاریخ‌نگاری در ایران عصر سلجوقی*، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.
فصیحی، سیمین (۱۳۷۲)، *جریان‌های اصلی تاریخ‌نگاری در دوره پهلوی*، مشهد: نوند.
قدیمی قیداری، عباس (۱۳۹۳)، *تداوم و تحول تاریخ‌نویسی در ایران عصر قاجار*، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.

قدیمی قیداری، عباس (۱۳۹۶)، *تاریخ‌نویسی در ایران: نقد و بررسی منابع برگزیده (از ابوعلی باعمی تا میرزا آقاخان کرمانی)*، ویراستار علمی؛ زهیر صیامیان گرجی، تهران: سمت، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی.

قنوت، عبدالرحیم (۱۳۹۳)، *تاریخ‌نگاری محلی ایران در دوره اسلامی (تا سده هفتم هجری)*، تهران: سمت.

مریم، میراحمدی (۱۳۶۹)، *کتابشناسی تاریخ ایران در دوران باستان*، تهران: امیرکبیر.
ملایی توانی، علیرضا (۱۳۹۵)، *گفتمان تاریخ‌نگاری رسمی دوره پهلوی پیرامون رضاشاه*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

موسوی، حسن (۱۳۸۰)، *شناخت و نقد منابع تاریخ ایران باستان*، شیراز: دانشگاه شیراز.
میثمی، جولی اسکات (۱۳۹۱)، *تاریخ‌نگاری فارسی*، ترجمه محمد دهقانی، تهران: ماهی.
میرجعفری، حسین (۱۳۷۵)، *تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره تیموریان و ترکمانان*، اصفهان: دانشگاه اصفهان؛ چاپ دوم با همکاری انتشارات سمت.

۲۰۲ پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال ۲۱، شماره ۱۲، اسفند ۱۴۰۰

میرجعفری، حسین، عاشوری نژاد، عباس (۱۳۸۶)، *تاریخ‌نگاری و تحولات آن در ایران و جهان*، تهران: دانشگاه پیام نور.

میرجعفری، حسین و مرتضی نورائی (۱۳۸۸)، *روش پژوهش در تاریخ*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

نورائی، مرتضی، ابوالحسنی ترقی، مهدی (۱۳۹۴)، *تاریخ شفاهی و جایگاه آن در تاریخ‌نگاری معاصر ایران (۱۳۱۵-۱۳۵۱ ش)*، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.

وثوقی، محمد باقر (۱۳۸۳)، *بررسی منابع و مآخذ تاریخ ایران پیش از اسلام*، تهران: دانشگاه پیام‌نور. همیلتون، گری جی و دیگران (۱۳۸۵)، *تاریخ‌نگاری و جامعه‌شناسی تاریخی*، ترجمه هاشم آقاجری، تهران: کویر.

هینلز، جان راسل (۱۳۶۸)، *شناخت اساطیر ایران*، ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی، تهران: چشمه.